

منه‌ای فوتبال

«بنا» برای قرارداد به آذربایجان رفت آقای خاص دور از وطن

نگار رشیدی

به تازگی هواداران کشتی همان اندازه که اخبار این رشته در داخل کشور را دنبال می کنند، اخبار آذربایجان را هم زیر نظر دارند. دلیل آن هم مشخص است؛ دو نامی که از ایران راهی این کشور شده‌اند و قرار است فعالیت ورزشی خود را در کسوت سرمربی و کشتی گیر در چند کیلومتر مرزهای ایران دنبال کنند.

مدتی پیش بحث حضور محمد بنا در راس کادر فنی تیم ملی کشتی آذربایجان مطرح شد و حالا این حضور رسمی شده است. از سوی دیگر فردین معصومی که با هدف درخشش بیشتر تصمیم گرفت از این پس زیر پرچم آذربایجان کشتی بگیرد، حالا شرایطش مشخص شده و باید تا محقق شدن این هدف مدتی را دور از تشک بگذراند. دلیل آن هم مخالفت کردن فدراسیون کشتی با این تصمیم او بود که مسیر را برایش پرچالش کرد.

اما نگاهی جزئی تر به تصمیم آقای خاص داشته باشیم؛ زمانی که بحث حضوربنادر آذربایجان مطرح شد، بسیاری امیدوار بودند که این خبر صحت نداشته باشد حتی باوجوداینکه آقای خاص دیگر در کادر فنی تیم ملی کشورمان نیست اما با این حال برخی دوست نداشتند که او را روزی مقابل تیم ملی کشور ببینند.

بناهم واکنشی به این موضوع نشان نمی داد تا همه چیز در هاله‌ای از ابهام باقی بماند اما او درنهایت روز گذشته در فدراسیون کشتی آذربایجان حاضر شد تاقرار دادش را به عنوان سرمربی جدید تیم ملی کشتی این کشور امضا کند. بنا البته دوستان قدیمی اش را هم فراموش نکرده و قرار است رسول جزینی و بهروز حضرتی پور نیز به عنوان دستیاران بنا در تیم ملی کشتی فرنگی آذربایجان فعالیت کنند و آنها نیز در باکو حضور دارند.



واکنش هادر فضای مجازی به حضور بنا در آذربایجان به شکلی بود که یکی از سایت‌های این کشور از آن برداشت حسادت کرده است. بااین حال آذربایجانی‌ها از حضور بنا خوشحال اند و طبیعتاً شادمانی‌شان را هم پنهان نمی کنند. به عنوان مثال ایدین میرزاده نماینده مجلس آذربایجان و عضو کار گروه روابط بین پارلمانی آذربایجان و ایران معتقد است فعالیت مربیان در کشورهای مختلف یکی از اصول اصلی حوزه ورزش است و تعیین مرزهای ملی در اینجا درست نیست.

اودست روی این نکته گذاشت که برخی محافل خاص به این موضوع حسادت می کنند که او دلیلی برای این حس نمی‌بند. میرزاده همچنین طرف ایرانی را دعوت کر با توجه به اینکه کشتی‌ایران و آذربایجان رقبای اصلی و جدی همدیگر هستند، به جای حسادت، برای ارتقای سطح کشتی خود به همراه آذربایجان تلاش کند! کنان مستالیف، کارشناس ورزشی آذربایجان دیگر فردی است که به حضور بنا در کشتی فرنگی این کشور واکنش نشان داده و همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، بابت این موضوع شادمان است. او در این باره گفته است: «بنا مربی بسیار خوبی است. مربیان باتجربه‌ای مثل او می‌توانند موثر باشند. کشتی ورزش ملی ماست، ماده‌ها قهرمان اروپایی، جهانی و المپیک داریم اما ورود مربیانی مثل بنا موثر خواهد بود. ایران نیز ورزشکاران و مربیان خوبی در کشتی دارد. اگر او بیاید، دستیارانش قطعاً مربیان آذری خواهند بود و آنها نیز تجربه کسب می‌کنند و حتی بهتر می‌شوند. مربیان خارجی تاکنون در تیم کشتی ما کار کرده‌اند و موفق بوده‌اند. من از انتصاب بنا استقبال می‌کنم.»

به هر حال خوب ی‌ساید محمد بنا حالا سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی آذربایجان است که البته این موضوع می‌تواند چالشی برای تیم ملی کشورمان هم باشد. همان‌طور که میرزاده هم اشاره کرده است، کشتی ایران و آذربایجان رقبای اصلی و جدی یکدیگر هستند و با توجه به شناختی که محد‌بنا از کشتی فرنگی ایران دارد، حضور او در راس کادر فنی تیم ملی این کشور می‌تواند برای تیم ملی ایران در درس‌ساز شود. درست است که او سال‌هاست سککن هدایت تیم ملی ایران را تحویل داده اما بنا سال‌ها تجربه کار در این سمت را دارد و قطعاً در روزهای دور از تیم ملی هم ملی‌پوشان را زیر نظر داشته است.

از طرف دیگر باید به این نکته هم اشاره داشت درست است که بنا کار غیر قانونی انجام نداده و مثل هر مربی دیگری که حق انتخاب دارد، مسیر مربیگری خودش را در آذربایجان پیدا کرده است، اما او نامی است که کسی نمی‌خواهد آن را مقابل تیم ملی ایران ببیند اما حالا باید منتظر این اتفاق بود. شاید وقت آن رسیده که نیمه پر لیوان را ببینیم و منتظر رویارویی تیم‌های دو کشور باشیم. تیم‌هایی که هر کدام تجربه بالایی دارند و قطعاً سرشاخ شدن‌شان دیدنی خواهد بود.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

روایت محرم نویدکیا و طوفانی که از آرامش برخاست

سکوت قهرمانی

آر یا طاری

نوشتن از محرم نویدکیا، نوشتن از یک استشنا در قاعده بازی فوتبال ایران است. در فوتبالی که فریادها بلندتر از تاکتیک‌ها شنیده می‌شوند و بیانی‌به‌جای تمرینات را گرفته‌اند، محرم شبیه به یک شعر سپید در میان هیاهوی پنرها و شعارهای تند است. ابتدای فصل برای هواداران سپاهان، بوی قهرمانی نمی‌داد. برخلاف همیشه که سپاهان با توپ پر وارد بازار نقل‌وانتقالات می‌شد، امسال تمرکز روی ثبات بود. اما نتایج اولیه، لرزه بر اندام نیمکت زردپوشان انداخت. تساوی‌های پی‌درپی و باخت‌های بدموقع، منتقدان را به خط کرد. در فضای مجازی، زمزمه‌های پایان دوران محرم شنیده می‌شد اما این پایان ماجرا نبود! فوتبال ایران عادت کرده است که در چنین شرایطی، مربی را ببیند که در کنفرانس خبری از دست‌های پشت پرده، اشتباهات داوری و کمبود بودجه حرف بزند. اما محرم، از جنس دیگری بود. او نه داور را متهم کرد و نه زمین و زمان را. او در یکی از تلخ‌ترین شب‌های اصفهان، پشت میکروفون نشست و جمله‌ای گفت که تاریخ لیگ را تکان داد: «اگر تا دو هفته دیگر وضعیت تیم تغییر نکند، خودم می‌روم. سپاهان بزرگ‌تر از من است.»

این اولتیماتوم به خود، عجیب‌ترین اتفاق لیگ بود. محرم آبروی چندین ساله خود در اصفهان را روی میز گذاشت. او به جای اینکه منتظر مدیر عامل بماند تا اخراجش کند، خودش را در پیشگاه هواداران محاکمه کرد. این حرکت، فشار را از روی دوش بازیکنان برداشت و به سمت خودش برد. او نشان داد که برای او، سپاهان یک پست مدیریتی یا یک قرارداد میلیاردی نیست؛ سپاهان برای محرم، پاره‌ای از تن اوست از همان لحظه، چیزی در اصفهان تغییر کرد. بازیکنانی که تا دیروز در زمین سرد گرم بودند، حالا با تمام وجود برای مربی بازی می‌کردند که صداقتش، آخرین سنگر آنها بود. آنچه بعد از آن اولتیماتوم رخ داد، بیشتر شبیه به یک رویا بود تا

چهره به چهره

تحلیل ظهور پژمان منتظری در قامت یک مربی صاحب‌سبک، فراتر از یک اتفاق گذرادر لیگ قطر است

تولد یک مربی

نازنین دشتی



اتفاق روز

رونالدو حالا ۴۴گام تا رکورد رویایی هزار گل فاصله دارد

وباز هم کریس

نوشتن از مردی که با تیک تاک ساعت می‌جنگد و هر بار پیروزی می‌شود، فراتر از یک گزارش ورزشی است؛ این یک روایت حماسی از اراده‌ای است که مرزهای ممکن را جابه‌جا کرده است. در دنیایی که همه چیز تاریخ انقضادارد، در فوتبالی که ساق‌ها در ۳۵ سالگی به لرزه می‌افتند و ستاره‌ها در ۳۸ سالگی به خطرات می‌پیوندند، یک نفر ایستاده است که گویی بازمان پیمانی مخفیانه بسته است. کریستیانورونالدو؛ نامی که دیگر تنها یک بازیکن فوتبال نیست، بلکه نمادی از عصیان علیه محدودیت‌های بشری است. شنبه‌شب، زیر نورافکن‌های ورزشگاه، با دیگر تماشاگران شاهد فصلی جدید از کتاب قطور افتخارات او بودند. او نه برای پول، نه برای شهرت و نه برای اثبات چیزی به منتقدان، بلکه برای عشق سوزانی که در سینه دارد، دو بار تور دروازه را لرزاند.

وقتی به عدد ۴۰ فکر می‌کنیم، به یاد خستگی، آرامش و شاید آغاز دوران بازنشاطگی می‌افتیم. اما برای سی‌آرسون (CR7)، عدد ۴۰ معنای دیگری یافت. او در آستانه ۴۱ سالگی، در سال میلادی ۲۰۲۵، به‌آمار ۴۰گول رسید. این یک عدد ساده نیست؛ این یک فریاد بلند است. ۱۴ سال متفاوت در طول دودمه‌ها، او هر سال بیش از ۴۰ بار فریادشادی سر داده است. این استمرار، همان مرزباریکی است که قهرمانان را از اسطوره‌های جاودانه جد می‌کند. او نشان داد که سن تنها یک عدد در شناسنامه است، وقتی قلبی به وسعت یک اقیانوس و اراده‌ای به سختی صخره‌های مادری آداشته باشی.

گل‌های شنبه‌شب او فقط عدد نبودند؛ آنها تابلوهایی نقاشی بودند. آن ضربه

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseeirani.ir

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

ایمیل: toseeirani@gmail.com

شماره ۲۰۸۶ / دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ / ۸ رجب ۱۴۴۷ / ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵



کرده، به تیم‌شان افتخار می‌کنند.

کاش فوتبال ما، محرم‌های بیشتری داشت. مربیانی که به جای دوربین‌های تلویزیونی، به چشمان بازیکنان‌شان نگاه کنند. مربیانی که باخت را گسردن دور نیندازند و پیروزی را سهم تمام تیم بدانند. نیم‌فصل اول با تمام فراز و نشیب‌هایش تمام شد و تصویر ماندگار آن، لیخد مرتین مردی است که در اوج بحران، به خودش اولتیماتوم داد و در اوج افتخار، باز هم سکوت کرد.

سپاهان محرم نویدکیا، امروز نه فقط یک تیم فوتبال، بلکه یک درس اخلاق در ورزش است. طوفان زرد اصفهان، حالا آرام‌تر و سهمگین‌تر از همیشه، به سمت مقصد نهایی می‌تازد.

شد. سپاهان حالا در موقعیتی استثنایی قرار دارد. قهرمانی نیم‌فصل با یک بازی کمتر، یعنی آنها نه تنها صدرنشین هستند، بلکه یک ذخیره استراتژیک هم دارند. اگر محرم بتواند در بازی عقب‌افتاده مقابل استقلال هم به پیروزی برسد، عملاً فاصله‌ای ایجاد می‌کند که جبران‌ش برای رقبا در نیم‌فصل دوم، چیزی شبیه به معجزه خواهد بود.

اما بزرگ‌ترین دستاورد محرم، جام قهرمانی نیم‌فصل نیست. بزرگ‌ترین دستاورد او، بازگرداندن شخصیت و وقار به نیمکت سپاهان است. هواداران سپاهان حالا نه فقط به خاطر صدرنشینی، بلکه به یک سیستم وفادارند، تیم پژمان نشان داده که می‌تواند بر اخلاقش، استانداردهای فوتبال ایران را جابه‌جا

مسئولیت‌پذیری؛ او یاد داد که مربی باید اولین کسی باشد که اشتباه را می‌پذیرد، دوم دوری از پوپولیسم؛ محرم برای محبوبیت، شعارهای توخالی نداد و با نتایجش حرف زد، سوم احترام به رقیب؛ در تمام طول این مسیر، شماحتی یک جمله تحقیرآمیز از او درباره رقبایش (پرسپولیس، استقلال یا تراکتور) نشنیدید و چهارم تمرکز بر مسایل فنی؛ او ثابت کرد که بدون بیانی‌به‌نوشتن و بدون درگیری در لب خط هم می‌توان قهرمان شد. در فوتبالی که مربیان‌ش برای یک‌اوت دسته‌ی ساده جنگال به پا می‌کنند، قامت بلند و نگاه آرام محرم نویدکیا، غنیمتی است که باید قدرش را دانست. او به ما یادآوری کرد که می‌توان جنتلمن بود و در عین حال، برنده

خالص تمرکز کرده است. این باعث شده که او زودتر از حد تصور، بلوغ تاکتیکی‌اش را نشان دهد. پژمان منتظری ویژگی‌هایی دارد که او را به گزین‌های ایده‌آل برای آینده فوتبال ایران تبدیل می‌کند. اول از همه تسلط به زبان بین‌المللی؛ سال‌ها حضور در خارج از کشور، به او قدرت ارتباط با بازیکنان خارجی را داده است، چیزی که در برد مقابل الغرافه و مدیریت لژیونرهای الشحانیه مشهود بود. دوم شخصیت کاربزماتیک اما متواضع؛ او هرگز به دنبال تیتراژول روزنامه‌ها نبوده است. این سکوت انتخابی به او اجازه می‌دهد تمام انرژی‌اش را صرف مسائل فنی کند؛ دقیقاً همان ویژگی که محرم نویدکیا را در فوتبال ایران محبوب و متمایز کرد. سوم انعطاف تاکتیکی؛ برخلاف مربیان سنتی که به یک سیستم وفادارند، تیم پژمان نشان داده که می‌تواند بر اساس قدرت حریف، از یک تیم تدافعی منضبط به یک تیم ضدحمله‌زن بی‌رحم تغییر فاز دهد.

بزرگ‌ترین چالش فعلی پژمان، تثبیت این جایگاه است. او در حال حاضر به عنوان فرشته نجات الشحانیه شناخته می‌شود. اگر او بتواند این روند را ادامه دهد، نه تنها در قطر به عنوان یک سرمربی لژیونر موفق تثبیت می‌شود، بلکه به زودی به جدی‌ترین گزینه برای نیمکت‌های بزرگ ایران (از جمله استقلال و حتی تیم ملی در آینده) تبدیل خواهد شد.

اگر محرم نویدکیا را نماد اخلاق و ثبات و مجتبی جباری را نماد فکر و استراتژی بدانیم، پژمان منتظری می‌تواند ضلع سوم این مثلث باشد؛ اجرا و دیسیپلین مدرن. فوتبال ایران به شدت به مربیانی نیاز دارد که به جای مقصر دانستن داور و زمین، از امید به گل (XG) و ساختار دفاعی خطی حرف بزنند. پژمان با نتایجی که در همین مدت کوتاه گرفته، ثابت کرده که این زبان را به خوبی بلد است.

پیروزی سه‌بر سفر مقابل تیمی که مدعی قهرمانی است، آن هم با مهره‌هایی به مراتب ضعیف‌تر، پیامی روشن برای فوتبال ایران داشت؛ پژمان منتظری آماده است. او راه نویدکیا را می‌رود؛ راهی که در آن احترام، دانش و آرامش حرف اول را می‌زند. اگر او بتواند در اتمسفر پر فشار فوتبال قطر دوام بیاورد، نویدبخش ظهور مربی‌ای است که می‌تواند سال‌ها خلاء دانش مدرن را روی نیمکت‌های ما پر کند.

منتظری نه با فریاد، بلکه با نتایجش در حال دیکته کردن نام خود به آسیاست. او واقعا می‌تواند همان مغز متفکری باشد که فوتبال ما سال‌ها منتظرش را می‌کشید؛ کسی که مثل دوران بازیگری‌اش، همیشه یک قدم جلوتر از توپ و مهاجمان حریف فکر می‌کند.

است که حتی جوانان ۲۰ساله را به ستوه می‌آورد. او به ما یاد می‌دهد که مهم نیست دنیا در مورد تو چه می‌گوید؛ مهم نیست که بگویند پیر شده‌ای یا دوران تو تمام شده است. او با هر گل، دهان منتقدان را نمی‌بندد، بلکه به آنها یادآوری می‌کند که ایستادی برابر اراده انسانی که هدف دارد، پیوده‌است.

اوشنبه‌شب فقط برای النصر گل نزد؛ او برای تمام کسانی گل زد که فکر می‌کنند برای شروع دوباره دیر است. او برای هر کسی گل زد که تحت فشار سن و سال، رویاهایش را دفن کرده است. رونالدو با هر پرش بلند و فریاد Siuu، به ما می‌گوید: «تا وقتی نفس می‌کشی، بجنگ.»

در حالی که نسل‌های جدیدی می‌آیند و می‌روند، در حالی که ستاره‌های نوظهور می‌درخشند و خاموش می‌شوند، خورشید کریستیانو رونالدو همچنان در بالاترین نقطه آسمان فوتبال می‌تابد. او در آغاز هفته بار دیگر به ما یادآوری کرد که فوتبال بدون او چیزی کم داشت. ما خوش‌شانس هستیم که در عصر او زندگی می‌نویسد و با قلبش، که در آن یک مرد، با پاهایش حماسه می‌نویسد و با قلبش، تاریخ را بازنویسی می‌کند.

امپراتور هنوز بیدار است، جاج بر سر دارد و با نگاهی نافذ به افق ۱۰۰۰گل خیره شده است و ما، با اشتیاق منتظریم تا شاهد لحظه‌ای باشیم که او از مرزهای تاریخ عبور کند و به ابدیت پیوندد.

